[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

مطالعات تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره ۵۲، بهار ۱۴۰۱، مقاله علمی و پژوهشی، صفحات ۹۷-۱۲۴

:20.1001.1.22286713.1401.14. 52.3.1

روند مهاجرت و استقرار مهم‌ترین متحدان امویان در شمال جزیرةالعرب

(قبایل قُضاعَه و کَلْب)

میثم حبیبی کیان[۱]

چکیده: آگاهی از تاریخ اسلام بدون شناخت قبایل امکان‌پذیر نیست. قبایل منتسب به قضاعه، به‌ویژه کلب در دورهٔ پیشااسلامی و پس از اسلام قدرتی تأثیرگذار داشتند و گسترهٔ وسیعی از جغرافیای جزیرة‌العرب را در اختیار داشتند. نگارندهٔ این پژوهش گزاره‌های تاریخی قبیله و یافته‌های باستان‌شناسی را با روش توصیف و تبیین تاریخی مورد بررسی قرارداده تا مسئلهٔ اصلی آن را که تعیین خاستگاه قضاعیان و بنی‌کلب، علل مهاجرت و دوره‌های استقرار آنها در مناطق مختلف است، پاسخ دهد.

نتایج پژوهش گویای آن است که قضاعیان با کوچ از یمن در قرن دوم میلادی، در مرکز جزیرةالعرب مستقر گردیدند و سپس در شمال جزیرةالعرب صاحب سرزمین‌های مهمی شدند. از این رو، با جمعیت زیاد و سرزمین‌های پهناور مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفتند و مناسبات سیاسی، اقتصادی و خانوادگی برقرار کردند. پس از فتحِ مرکز تجمع آنها در دومةالجندل توسط مسلمانان، به شام و دمشق رفتند و در نتیجهٔ پیوند خانوادگی با بنی‌امیه، اصلی‌ترین متحد سیاسی امویان شدند. این‌گونه حضور کلبیان در شمال آفریقا و اندلس رقم خورد.

واژه‌های کلیدی: قضاعه، بنی‌کلب، جغرافیای تاریخی، جزیرةالعرب، مهاجرت، امویان

۱ دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن دانشگاه شهید بهشتی habibikian110@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۸ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۸/۲۲

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 14, No 52, Spring 2022
Reserch Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 97-124

The Process of Migration and Settlement of the Most Important Allies of the Umayyads in the North of the Arabian Peninsula: the Qoda′a and Kalb Tribes

Meysam Habibikian[1]

Abstract: Obtaining full knowledge of the Islamic history is not possible without knowing the relevant tribes. The Qoda′a and Kalb tribes were influential in the Arab history and controlled a wide area of the Arabian Peninsula. This study describes the historical propositions of the "tribe" and the archeological findings using historical description and explanation in order to answer its main question, which is to determine the origin of the Qoda′a and Kalb, the causes of migration and their settlement periods in different regions. The results of the research show that members of Qoda′a tribe migrated from Yemen, then settled in the center of the Arabian Peninsula. Hence, they came to the attention of governments and established political, economic, and family relations with them. After the conquest of their gathering center in Duma al-Jandal by the Muslims, they went to Syria, and as a result, the familial relationships between them and Umayyads caused them to become the main political ally of the Umayyads.

Keywords: Umayyads, Qoda′a tribe, Kalb tribe, Yemen.

1 PhD in Islamic Teachings, Subfield of History and Civilization, Shahid Beheshti University, habibikian110@gmail.com
Recive Date: 2021/05/29 Accept Date: 2021/11/13

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

مقدمه

مهم‌ترین رکن ساختار اجتماعی و سیاسی مردمان جزیرةالعرب «قبیله» است و بدون در نظر گرفتن جایگاه آن، تحلیل تاریخ تحولات عرب امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، بسیاری از مسائل تاریخی و رفتار قبایل متأثر از شرایط اقلیمی آنهاست. مکان زندگی، وسعت سرزمین، منابع طبیعی و جمعیت از عوامل تعیین‌کنندهٔ روابط قبایل با یکدیگر و نفوذ آنها محسوب می‌شود که در قالب جغرافیای قبایل مطرح است. بنابراین بررسی جغرافیای قبایل در بستر زمان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا هم می‌توان زوایای پنهان قبایل را آشکار ساخت و هم صحت گزارش‌های تاریخی یک قبیله را مشخص کرد. این اهمیت زمانی که پای قبایل مهم و تأثیرگذاری چون قضاعیان در میان باشد، دوچندان خواهد شد؛ به‌ویژه وقتی که تعداد فراوان قبایل منشعب از قضاعه و مناطق تحت سیطرهٔ آنان را در نظر بگیریم. جایگاه قضاعیان تا بدانجاست که این قبیله را به عنوان «شعب» (واحد بزرگ‌تر از قبیله) در کنار نزار و یمن تقسیم می‌کنند (ابن‌حزم اندلسی، ۱۹۸۳: ۱۰۸). مورخانی چون ابن‌کلبی و ابن‌اسحاق [مطلب منبع متأخر] و مقدسی، قضاعه را در کنار مذحج به عنوان یکی از قبایل قحطانی بیان کرده‌اند (مقدسی، [بی‌تا]: ۱۱۸/۴؛ ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۲۹۰/۲)؛ به همین دلیل گفته شده است فرزندان مالک‌بن حمیَر می‌باشند (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۵۵۱/۲). همچنین آنها را جزو جماجم عرب برشمرده‌اندَ؛ بدین معنا که در زمرهٔ مجموعه قبایلی می‌باشند که در عرف سنتی عرب با قدرت، تعداد، غلبه و شرف توصیف می‌شدند و از قبایل مهم دورهٔ پیشااسلامی بودند (ابن‌عبدربه قرطبی، ۱۹۸۷: ۲۸۹/۳؛ علی، ۱۹۹۳: ۳۳۴/۴). در این راستا باید به قبیلهٔ کلب هم توجه ویژه داشت. این قبیله یکی از زیرمجموعه‌های قضاعه است (یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۰۳/۱) و نسبشان به کلب‌بن وبرةبن تغلب‌بن حلوان‌بن الحاف‌بن قضاعة می‌رسید و طوایف زیادی از جمله بنی‌علیم، بنی‌زهیر، بنی‌عَدْی و غیره را شامل می‌شد (ابن‌حزم اندلسی، ۱۹۸۳: ۴۷۹؛ کحاله، ۱۹۹۴: ۹۹۶/۳). قبیلهٔ کلب مشهورترین قبیلهٔ شام در دورهٔ حکومت امویان بود و نقش پررنگی در جریانات سیاسی آن دوره ایفا کرد. آنها در به قدرت رسیدن معاویه و ولایتعهدی یزید بسیار کوشیدند و بحران جانشینی پس از مرگ یزیدبن معاویه را مدیریت کردند و امویان بدون آنها در «مرج راهط» (۶۴ یا ۶۵ق) و نبردهای دیگر با مخالفان پیروز نمی‌شدند (مسعودی، [بی‌تا]: ۲۶۹-۲۸۰ ؛ ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۷۰،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

۷۷، ۱۲۹، ۱۳۴).

از دیگر سو خاستگاه جغرافیایی، مهاجرت و نحوهٔ پراکندگی و اسکان قبایل، در طول تاریخ عرب به ویژه صدر اسلام بر نوع عملکرد آنها اثربخش بود و حتی می‌توانست آنها را به عنصری فعال و تأثیرگذار در مناسبات سیاسی و اجتماعی تبدیل کند. همچنین گستردگی مناطق خشک و غیرقابل سکونت در جزیرةالعرب و تعدد قبایل، کوچ قبیله‌ها را طی قرون متمادی به دنبال داشته است. قضاعه و زیرمجموعهٔ آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قبیله‌های جنوب، از این قاعده مستثنی نبودند و با مهاجرت به مناطق شمالی جزیرةالعرب در بسیاری از نقاط آن دیده شده‌اند؛ زیرا با افزایش جمعیت، در پی دستیابی به چراگاه، زندگی کوچ‌رویی داشتند.[۱] بدین ترتیب، با حرکت و استقرار در مناطق مختلف جزیرةالعرب، جغرافیا و قلمرو وسیعی را به خود اختصاص دادند که از نظر راهبردی قابل توجه و در روند تاریخ عرب نقش‌آفرین بود (Webb, 2020: 75). بنابراین شناخت خاستگاه قبیله کلب، چرایی و چگونگی مهاجرت، استقرار قبایل قضاعی و تعیین جغرافیای محل زندگی آنها دغدغهٔ نویسنده در این مقاله است. نگارندهٔ مقالهٔ حاضر در نظر دارد با روش توصیف، تبیین و تحلیل گزاره‌های‌های تاریخی، به این سؤالات پاسخ دهد که خاستگاه جغرافیایی قضاعیان و بنی‌کلب کجا بوده است؟ مهاجرت و جابه‌جایی قبایل قضاعی به چه دلایلی، در کدام مناطق و در چه زمانی اتفاق افتاده است؟ و آنها در هر دوره در کدام مناطق متمرکز بودند؟

درباره قضاعه و کلب مطالعات مستقل چندانی انجام نشده است. در نتیجه نباید انتظار داشت که درباره جغرافیای آنان اثر پژوهشی مستقلی انجام شده باشد. در عراق پایان‌نامه‌ای با عنوان «قبیلة کلب و دورها فی التاریخ العربی حتی نهایة العهد الأموی فی الشام»[۲] نوشته شده که جغرافیای این قبیله مورد توجه قرار نگرفته است.

---

۱ پیامبر اکرم(ص) فرمود: «خداوند در شب نیمه شعبان به اندازه موی گوسفندان قبیله کلب بندگانش را می‌آمرزد» (صدوق، [بی‌تا]: ۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۶/۹۷، ۸۹). این کلام تلویحاً به پیشه کلبیان و رونق دامپروی آنان اشاره دارد. مالک‌بن عمرو کلبی نیز به فرزندش وصیت کرد: «تعداد شترانت را زیاد کن تا پیروانت زیاد شود» (سجستانی، ۱۹۶۱: ۱۲۷). زهیربن جناب هم به تعداد زیاد شترنانش افتخار می‌کرد (حموی، ۱۹۹۵: ۳۹۳/۳).

۲ جاسم محمد عیسی (۱۹۹۴م)، «قبیلة کلب و دورها فی التاریخ العربی حتی نهایة العهد الأموی فی الشام»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه مستنصریه بغداد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

در کتاب *امتداد العرب فی صدر الاسلام*[۱] تألیف احمد صالح العلی به مهاجرت قبایل عرب از جزیرةالعرب با دیگر مناطق فتح شده پرداخته شده که جغرافیای قضاعیان در آن بسیار کم‌رنگ است. پژوهش‌های دیگر در این زمینه کتاب *العرب فی‌الشام قبل الاسلام*[۲] نوشتهٔ محمد احمد باشمیل و *تاریخ بلاد الشام فی صدر الاسلام*[۳] از محمد عدنان بُخیت است که بخشی از این دو کتاب به قبیلهٔ قضاعه اختصاص داده شده، اما اطلاعات مختصری در مورد نسب و روابط آنها با دیگر ملوک و قبایل ارائه شده است. ابن‌خلدون نیز اشاره‌هایی کوتاه به اماکن قضاعیان دارد؛ همچنان‌که فُک ذیل مدخل «قضاعه» در *دائرة المعارف* اسلام، به برخی مناطق مورد نفوذ آنها اشاره کرده (Fuck,1997: IV/491)، ولی از نحوهٔ ساکن شدن آنها سخن نگفته است. مزیت این تحقیق نسبت به پژوهش‌های دیگر آن است که علل و زمان جابه‌جایی قضاعیان و کلب در نحوهٔ گسترش و تسلط بر مناطق راهبردی جزیرةالعرب را به‌طور خاص مورد کاوش قرار داده است. البته نباید فراموش کرد که یکی از چالش‌های تحقیق در مورد قبایل، احتمال درج برخی اخبار با تعصبات و اغراض قومی و قبیلگی است که تاریخ قضاعیان –به‌ویژه در دورهٔ اسلامی– از آن مستثنی نیست. از این رو، برای رفع این مشکل، اخبار تاریخی دورهٔ اسلامی با گزارش‌های باستان‌شناسی و اکتشافات جدید، با رویکرد جغرافیای تاریخی و بازسازی مکان جغرافیایی مورد تطبیق و بررسی قرار گرفته است.

خاستگاه قضاعه در جنوب جزیرةالعرب: شحر، مَهرة و حَضرَموت (مکان ۱ در نقشه)

براساس گزارش‌های موجود، سکونتگاه اولیهٔ قضاعة شهر «شحْر» در جنوب جزیرةالعرب و در حد فاصل یمن تا عمان قرار داشت. ابن‌خلدون تَنها تاریخ‌نگاری است که به صورت منسجم به سکونت قضاعه در جنوب جزیرةالعرب و به‌ویژه این شهر پرداخته است (ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۲۴۷/۲)؛ درحالی‌که در گزارش‌های دیگر مورخان اشاره‌ای به این مسئله نشده است. قضاعه خود حاکم شِحر بود و در کنار

۱ صالح احمد العلی(۱۹۸۳م)، *امتداد العرب فی صدرالاسلام*، نشر موسسة الرسالة، بیروت.

۲ محمد احمد باشمیل(۱۹۷۳م)، العرب فی بلاد الشام قبل الاسلام، [بی‌نا]: دمشق.

۳ محمدعدنان البخیت (۱۹۸۷م)، *بلاد الشام فی صدر الإسلام، مؤتمر الدولی الرابع لتاریخ بلاد الشام*، اردن: نشر دانشگاه اردن و دانشگاه یرموک.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

کوه شحر به خاک سپرده شد (بکری، ۱۹۹۲: ۲۰۰/۱؛ عمری، ۱۴۲۳: ۲۵۰/۴).

موقَعیت جغرافیایی شهر شحر در جنوب جزیرةالعرب استقلالی نسبی به این شهر بخشیده بود. رودخانه‌ای که از کنار شهر شحر می‌گذشت، رودخانه قضاعة یا «وادی عَمْد» نام داشت (سقاف، [بی‌تا]: ۲۶۷) و منابع آبی آنان را تأمین می‌کرد. از سوی دیگر، شهر بندری شحر در سواحل خلیج عَدن و دسترسی به دریای مَکران (عرب) و اقیانوس هند با فاصلَه‌ای کمتر از ۵۰۰ کیلومتر، نقشی در تجارت داشت و امروزه همچنان مسکونی است. در جهت غرب، بیش از ۷۰۰ کیلومتر تا دریای سرخ فاصله دارد و در نتیجه، شحر از کانون‌های قدرت در یمن فاصله قابل توجهی دارد. از نظر جغرافیای سیاسی، شحر بیش از آنکه تحت نظر حاکمان یمن باشد، در قلمرو حاکمان حضرموتَ به مرکزیت شَبوَة قرار می‌گرفت و در روزهایی که حاکمان قدرتمندی در شَبوَة حضور داشتند، شحر از شَبوَة تبعیت می‌کرد و در غیر آن صورت، از استقلال نسبی برخوردار بوَد. شاید از همین روست که خاستگاه اولیه قضاعه را حضرموت دانسته‌اند (یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۰۳/۱؛ حموی، ۱۹۹۵: ۳۲۳/۳).

عنوان دیگری که هنگام بررسی سکونتگاه قضاعه قابل بررسی است، جایی شناخته‌شده به نام «مَهْرَة» است؛ جایی که مردمانش لهجهٔ متفاوتی داشتند و شتران چابک مَهری هم از نژاد متفاوتی بودند. بنا بر روایات اسطوره‌ای، نام این منطقه از «مهرةبن حیدان» نبیرهٔ قضاعه گرفته شده است (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۷۱۳/۲) که نشان می‌دهد بخش‌هایی از قضاعه پس از چند نسل همچنان بر این منطقه مسلط بوده‌اند و نامشان بر این منطقه غالب شده است. امروز مهرة شرقی‌ترین استان یمن و در همسایگی کشور عمان است. «جام» هم اشاره کرده است که حکومت حمیر در قرن اول میلادی در دورهٔ کرب «ایل وتر» حضرموت را به قلمرو خود افزود (Jamme,1961: 348). در نتیجه، ساکنان آن مناطق در سرزمین حکمرانی حمیر (تبابعه) قرار گرفتند که به نظر می‌رسد تبابعه برای کنترل این مناطق، بخش‌هایی از جمیعت آن را ناچار به مهاجرت کرده بودند. بنابراین بخش‌هایی از قضاعه از جمله مهرةبن حیدان با شاهان حمیر کنار آمدند، ولی بسیاری از زیرمجموعه‌های قضاعه به‌ناچار مهاجرت کردند.

علاوه بر شحر و مهرة، به مرور مردمان قضاعه با قبایل دیگر همراه شدند تا به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

مناطق جدیدی در جنوب جزیرةالعرب مهاجرت کنند. مجموعه‌هایی از قضاعه در مهاجرت ازدیان به سمت عمان، با رهبرشان مَالک‌بن فَهْم اَزْدی همراه شدند و به عمان در شرق رفتند (سمعانی، ۱۹۶۲: ۷۰۹/۲)؛ بخش‌هایی از آنان به نجران رفتند. نجران در حاشیهٔ کویر بزرگ رُبع الخالی در جنوب جزیرةالعرب و در شمال غربی صنعاء و در فاصلهٔ ۴۰۰ کیلومتری از آن قرار دارد. می‌توان تصور کرد که در پی افزایش جمعیت اعضای قضاعه و تعداد طوایف و عشایر آنها، علاوه بر محدودیت منابع زیستی و احتمالاً پیدایش دوره‌های خشکسالی، بخش‌هایی از این قبیله کناره‌های کویر ربع الخالی را دنبال کرده‌اند و همان‌طور که مرزهای این کویر به سمت شمال می‌رفت، مسیر خود را ادامه دادند تا به نجران رسیدند و هرگز وارد مناطق کوهستانی درون یمن نشدند. از همین رو، هیچ نشانه‌ای دال بر حضور آنان در شهرها و مراتع کوهستانی یمن دیده نمی‌شود. همچنین براساس گزارش ابن‌خلدون، مجموعه‌های قضاعهٔ ساکن شده در نجران، نتوانستند مدت زیادی در این شهر بمانند و در اثر فشار وارد شده از موج مهاجرت قبایل ازد از مأرب در سدهٔ دوم میلادی، به مناطق دیگری رانده شدند (ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۲۴۷/۲؛ باشمیل، ۱۹۷۳: ۱۵۱). همان‌طور که از مهاجرت قبیله اَسَدبن وَبْرَة از مجموعه قضاعه به دشت باریک شرق دریای سرخ که بدان «تِهامَة» گفته می‌شود، گزارش‌هایی در اختیار داریم. این مجموعه بعدها در مناطق شرقی عراق کنونی، در حوالی استان اَنْبار با فاصلهٔ حدود ۲۰۰ کیلومتر در جنوب شرق بغداد دیده شدند.

در دوره‌های بعد و در پی آشفتگی به وجود آمده به سبب بیرون راندن حبشیان از یمن توسط ایرانیان، ملوک‌الطوایفی در آنجا حکمفرما شد. از این رو، حضور جداگانهٔ هیئت‌های محلی از مهرة به مرکزیت شحر و حضرموت در مدینه برای پیمان با پیامبر(ص) نشان می‌دهد که قضاعه در آن دوره حاکمیتی مستقل از حضرموت داشته است. ابن‌سعد درباره گروه نمایندگان مَهریان شحر نقل کرده است که: «زُهَیربن قِرضِم به حضور پیامبر(ص) رسید و رسول خدا(ص) با توجه به دوری راه (حدود ۲۰۰۰ کیلومتر) نسبت به او محبت کرد و برای بازگشت توشه راه و مرکب به او بخشید» (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۵۵/۱، ۳۵۶). این گزارش حاکی از آن است که تا قرن ششم میلادی همچنان قبایل برآمده از مهرةبن حیدان از قضاعه در این

منطقه حاضر بودند و از نظر سیاسی تابع قدرت‌های پیرامونی خود نبودند و مستقیم با پیامبر(ص) وارد گفت‌وگو شدند. با توجه به حملهٔ حبشیان به یمن در نیمهٔ سده ششم میلادی و تصرف یمن از سوی نیروهای ساسانی در نیمهٔ دوم این سده، مهرة به قدرتی محلی و مستقل تبدیل شد که در گزارش حضور هیئت مهرة در مدینه نیز به آن اشاره شد.

مهاجرت از یمن و استقرار در مناطق مرکزی جزیرةالعرب (مکان ۲ در نقشه)

در تاریخ جزیرةالعرب، کوچ قبایل جنوبی به مرکز و شمال جزیرةالعرب یکی از تحولات مهم به شمار می‌آید و از آن به دورهٔ مهاجرت تعبیر می‌شود. عواملی چون ضعف حکومت‌های جنوب، نفوذ مسیحیان و یهودیان در این سرزمین‌ها، حملهٔ حبشیان، از رونق افتادن تجارت و ویرانی سدّ مأرب، سبب مهاجرت‌های گستردهٔ عرب‌های قحطانی به شمال شد (علی، ۱۹۹۳: ۲۴۶/۱؛ دلو، ۲۰۰۴: ۱۳۸).

درواقع، شکسته شدن سدّ مأرب مهم‌ترین عامل مهاجرت عرب بیان شده است، اما تاریخ آن مشخص نیست تا به زمان دقیق کوچ قبایل به شمال جزیرةالعرب برسیم. برخی گزارش‌های مبهم و غیردقیق وجود دارد که اولین خرابی سد مأرب در قرون اولیهٔ میلادی و همزمان با ظهور حمیریان در سدهٔ اول میلادی بوده است. برخی دیگر خرابی آن را نیمهٔ قرن پنجم میلادی و در نهایت، تخریب کلی آن را در قرن ششم میلادی و زمان ورود حبشیان به یمن می‌دانند. علاوه بر این، تحقیقات جدید باستان‌شناسان در مأرب، از جمله اکتشافات گلایزر در قرن نوزدهم، با برخی تاریخ‌گذاری‌های مورخان اسلامی تطابق دارد. این گزارش‌های متفاوت را می‌توان در سه دسته بررسی کرد.

دستهٔ اوّل: اولین تاریخ خراب شدن سد مأرب و به دنبال آن مهاجرت قبایل، اواخر قرن دوم قبل از میلاد و حدود سال ۱۱۵ق.م. گزارش شده است (شرف‌الدین، ۱۹۶۴: ۱۲۷)، اما تحقیقات جدیدتر خرابی سد را پس از میلاد دانسته‌اند. بر همین اساس، فخری خرابی آن را در قرن اول میلادی (فخری، ۱۹۶۳: ۱۸۶) و «دوساسی فرانوسی» خرابی سد را حدود سال ۱۰۲م. برشمرده است (غنیمة، ۱۹۳۶: ۸) که پس از آن مالک‌بن فهم أزْدی از جنوب هجرت کرد و با جماعتی از قضاعیان ساکن در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

تهامه به ریاست مالک‌بن فهم قضاعی، پیمان بست و تنوخ را تشکیل داد (اصفهانی، [بی‌تا]: ۷۴، ۹۰، ۱۰۰). دیگر محققان نیز به این هجرت اشاره کرده‌اند (Wilkinson, 1987: 75).

دستهٔ دوم: این دسته از گزارش‌ها مهاجرت اعراب جنوبی را در قرن پنجم میلادی دانسته‌اند. امروزه به صورت مکتوب می‌دانیم که سبائیان در اوایل سال ۴۴۷م. به سبب شکستن سد دسته‌دسته شروع به ترک منطقه مأرب کردند (Glaser, 1897: 23/127). درواقع، به نظر گلایزر با وجود بازسازی سد در سال ۴۵۰م، اعتماد ساکنان آن منطقه از بین رفت و قبایل مختلف وحشت‌زده از آنجا کوچ کردند و تعداد کمی باقی ماندند که گزارش این مهاجرت دسته‌جمعی ناگهانی به حجاز در کتیبه‌های به دست آمده در دسترس است (گلایزر، ۱۸۹۷: ۲۹،۳۰). این اکتشافات با گزارش تواریخ اسلامی مبنی بر مهاجرت قبایل در دوران تبع «اسعد ابوکرب» از تبابعهٔ حمیر (۱۱۵ق‌م ـ ۵۲۵م) تقریباً مطابقت دارد (ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۵۷/۲). او که پنجمین یا ششمین پادشاه طبقهٔ دوم حمیر است، به همراه فرزندش «حسان یهأمن» در ابتدای قرن پنجم میلادی حکومت می‌کرد (نیلسن و هومل، ۱۹۵۸: ۲۹۵؛ پیگلوسکایا، ۱۳۷۲: ۳۰۹). بدین ترتیب، قول دیگر مهاجرت قبایل مربوط به نیمهٔ قرن پنج میلادی در پی خرابی سد مأرب و همزمان با حکومت اسعد ابوکرب است.

دستهٔ سوم: اخباری که فرو ریختن نهایی سد را در اواسط قرن ششم میلادی و پس از سال ۵۳۹م. می‌داند و با گزارش‌های بازسازی سدّ در سال ۵۴۳م. کاملاً تطابق دارد (گلایزر، ۱۸۹۷: ۶۸). از آنجا که بازسازی اندکی قبل از میلاد پیامبر اکرم(ص) رخ داد، اطلاعات دقیقی از آن در دسترس است (Glaser, 1897: 23/127). یاقوت حموی نیز به این واقعه در زمان حبشیان یمن، یعنی قرن ششم میلادی اشاره کرده است (حموی، ۱۹۹۵: ۳۵/۵). بنابراین آخرین دور مهاجرت قبایل در این زمان به وقوع پیوسته است.

بنا بر گزارش‌های ناهمگون مذکور در مورد خرابی سد مأرب و نقوش به دست آمده از ترمیم آن در سال‌های ۴۵۰م. و ۵۴۲م. (نیلسن و هومل، ۱۹۵۸: ۱۰۹) و نیز رابطهٔ آن با مهاجرت قبایل، به نظر می‌رسد تاریخ‌گذاری هجرت قضاعیان براساس تخریب سد خیلی دقیق نباشد؛ زیرا احتمال دارد طی دوره‌های مختلف و با طوایف

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

متعددی رقم خورده باشد. از این رو، باید با تمسک به قراینی مانند روابط بیناقبیلگی و بررسی فاصلهٔ نسلی، نتیجهٔ دقیق‌تری از زمان کوچ قضاعیان به دست آورد.

طبق آنچه بیان شد، قضاعیان پای ثابت مهاجرت‌ها بودند و در منابع تاریخی به نام برخی از طایفه‌ها مثل سلیح، تیم‌اللات، بلی و بهراء اشاره شده است. در سلسله‌نسب قضاعیان، این طوایف کوچنده در طبقات بالایی قرار دارند. از این رو، به نظر می‌رسد دیگر بطون قضاعه از جمله اجداد کلب به پیروی از آنها در این جابه‌جایی‌ها شرکت داشتند. مؤید این سخن وجود کلب‌بن وبرة در وادی السباع در شمال جزیرةالعرب است؛ زیرا به‌طور حتم جد کلب‌بن وبرة (تغلب‌بن حلوان) قضاعیان را در حرکت به شمال همراهی کرده و در مناطق مرکزی و شمالی جزیرةالعرب ساکن شده بود تا اینکه کلب در آنجا به دنیا آمد.[1] البته زمان حضور کلب‌بن وبره و پدرش در وادی السباع دقیقاً مشخص نیست، اما طبق گزارش‌ها باید قبل از قرن پنجم بوده باشد. طبری اشاره کرده که طایفه‌های کلب با تبع اسعد ابوکرب در حرکت به سمت حیره همراه شدند (طبری، ۱۹۶۷: ۶۰۹/۱)؛ بدین معنا که برخی قضاعیان از سرزمین‌های خود در تهامه، بحرین، وادی السباع و سماوه به تبع پیوستند. از آنجا که دورهٔ پادشاهی تبع ابوکرب در قرن پنجم میلادی بوده، پس قضاعیان و کلب پیش از این تاریخ در وادی السباع در شمال جزیرةالعرب ساکن بودند.

گزینهٔ دیگر برای تعیین دقیق‌تر زمان حضور کلب‌بن وبرة در مناطق شمالی جزیرةالعرب، بررسی فاصلهٔ نسلی بین کلب و اجدادش یا فرزندانش تا ظهور اسلام است. از این رو، تمرکز بر اجداد کلب و یا هم‌عصران آنها مثل «سلیح»[2] که تاریخ تقریبی زندگانی‌اش مشخص است، در تعیین زمان مهاجرت قضاعیان و سکونت کلبیان در شمال جزیرةالعرب می‌تواند کارآیی داشته باشد. مسعودی «سلیحیان» را از اولین گروه‌های قضاعه برشمرده که در شام ساکن شدند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۸۴/۲). حمزه اصفهانی هم بیان کرده که عدّه‌ای از قضاعیان به سمت شام رفتند تا اینکه

---

۱ کلب‌بن وبره با برادرانش به «سباع» معروف بودند و با مادرشان که مکنّی به «أم‌السباع» بود، در وادی‌السباع زندگی می‌کردند (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۵۵۴/۲؛ حموی، ۱۹۹۵: ۳۳۴/۵).

۲ سلیح‌بن حلوان‌بن عمران‌بن إلحاف‌بن قضاعة.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

سلیحیان (ضجاعمه) را پدید آوردند (اصفهانی، [بی‌تا]: ۷۴). از سوی دیگر، مورخان بر این نکته اتفاق نظر دارند که پادشاهی قضاعه (سلیحیان) بر روی پادشاهی نبطی‌ها بنا شده و از آنجا که پادشاهی نبطی‌ها حدود سال ۱۰۶م. پایان یافت (علی، ۱۹۹۳: ۵۷/۳)، قضاعیان باید اوایل قرن دوم میلادی در شام ظاهر شده باشند. اگر ملاک تاریخ‌گذاری را پایان حکومت آنها با ظهور غسّانیان در انتهای قرن سوم در نظر بگیریم (حتّی، جرجی و جبّور، ۱۹۹۴: ۱۱۵؛ شرف‌الدین، ۱۹۶۴: ۱۲۷)، باز به این نتیجه خواهیم رسید که بنی‌سلیح در آخر قرن اول یا ابتدای قرن دوم میلادی در شام ساکن شده بودند که طبیعتاً حرکت آنها از جنوب به اندکی قبل از آن برمی‌گردد. این نظریه را می‌توان با دیدگاه اول مبنی بر روایت تخریب سد مأرب و مهاجرت عرب در قرون اولیه میلادی سازگار دانست.[۱] بنابراین سلیح‌بن حلوان به همراه دیگر قضاعیان در نخستین قرون میلادی از جنوب به مرکز جزیرةالعرب، یعنی تهامه مهاجرت کرده و سپس به شام رفته است. علاوه بر آن، «تغلب» جدّ کلب‌بن وبره، برادر سلیح‌بن حلوان و به تحقیق معاصر با او بود. همسانی زمانی این دو برادر ما را به این رهنمون می‌کند که تغلب نیز در همان قرون نخستین میلادی به همراه سلیح و دیگر قضاعیان به شمال آمده و پس از استقرار در شمال جزیرةالعرب در قرن دوم میلادی، فرزندش وبره و سپس کلب به دنیا آمده‌اند.

وجه دیگری که می‌تواند این تاریخ را تأیید کند، بررسی فاصلهٔ نسلی کلب‌بن وبره با نوادگان او در دورهٔ اسلامی است. اگر فاصلهٔ کلب با چهره‌های شاخص این قبیله در دوره اولیه اسلامی را حداقل ۱۵ نسل (با حداکثر ۳۰ سال سن) در نظر بگیریم،[۲] حضور کلب‌بن وبره در وادی السباع به نظریهٔ اول (قرن دوم میلادی) نزدیک‌تر است. برای مثال، شهادت زیدبن حارثه (۶۲۹م) و رحلت دحیه کلبی (۶۷۰م) –به

۱ گلایزر اشاره کرده در کتیبه‌ای که تاریخ آن به سال ۵۷م. می‌رسد، به شکستن سدّ اشاره شده است، ولی تاریخ آن را با تاریخ رومیان و دیگر شواهد سازگار نمی‌داند (Glaser, 1897: 23/127).

۲ برخی محققان با تکیه بر رابطهٔ نسلی (پدر و فرزندی) و شجرهٔ قبایل به این روش روی آورده‌اند؛ از جمله «فرتز هومل» که ضمن مثالی فاصله بین دو تاریخ ۶۵۰ق.م. تا ۵۰۰ق.م. را شش جیل (نسل) در نظر گرفته است (نلسون و هومل، ۱۹۵۸: ۹۱). برای مثال، از دحیة تا کلب شانزده نسل را در برمی‌گیرد؛ دحیةبن خلیفةبن فروةبن فضالةبن زیدبن امرؤالقیس‌بن خزرج‌بن زیدمناةبن عامربن بکربن عامرالاکبربن عوفبن بکربن عوفبن عذرةبن زیداللات‌بن رفیدةبن ثوربن کلب. البته این محاسبه بدون در نظر گرفتن عمر طولانی بسیاری از کلبیان است (سجستانی، ۱۹۶۱: ۳۱ـ۳۶).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

عنوان دو تن از نوادگان کلب‌بن وبره- در قرن هفتم میلادی است که با در نظر گرفتن فاصلهٔ ۱۵نسل (حدود ۵ قرن)، به قرن دوم میلادی می‌رسیم.

پس از بررسی گزارش‌های تاریخی در مورد حضور قضاعه و کلب در شمال جزیرةالعرب، به این نتیجه خواهیم رسید که پذیرفتن صحّت دستهٔ اول گزارش‌ها مبنی بر حرکت قضاعیان به شمال در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم میلادی منطقی‌تر است و حضور قضاعیان به قبل از قرن سوم و پنجم میلادی بازمی‌گردد. از این رو، قبایل قضاعه از جمله کلب در قرن دوم میلادی در مناطق مرکزی و شمالی جزیرةالعرب، مانند نجد و وادی السباع و سپس سماوه در جنوب شام پدیدار شدند. آنچنان‌که گفته می‌شود، مُلک قضاعیان و به تبع آن کلب در شمال جزیرةالعرب، بزرگ، قوی و در استقلال کامل بود (العامری، ۱۹۹۲: ۱۷/۱)؛ که در ادامه به مهم‌ترین مناطق تحت نفوذ آنها اشاره خواهیم کرد.

مرکز جزیرةالعرب: نجد، الدُهناء، رَمل‌عالج (مکان ۳ در نقشه)

اولین محل نام‌برده شده از کلب‌بن وبره و زندگانی او وادی السباع[1] بود، ولی گزارش‌هایی از او و قبیله‌اش در دیگر مناطق جزیرةالعرب موجود است. منابع تاریخی از برخی طوایف کلب نام برده‌اند که به نجد نقل مکان کرده و در مرزهای مشرف بر کوه السیء جای گرفته بودند (حموی، ۱۹۹۵: ۲۷۱/۲؛ بکری، ۱۹۹۲: ۴۵۵/۲). وجود برکهٔ «حُوأب» در شمال نجد که به دختر کلب‌بن وبره منسوب است، بر این جابه‌جایی دلالت دارد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۵۸). از این رو، با افزایش جمعیت فرزندان کلب، اطراف نجد از جمله حضن (شرّاب، ۱۴۱۱: ۱۰۱) و «رَبَذه» در جنوب و کویر الدَهناء در شرق نجد (بکری، ۱۹۹۲: ۹۱۴/۳، ۱۲۳۶/۴) جزو مناطق آنان محسوب می‌شد که حتی برخی از آنها مثل زهیربن جناب در اواخر قرن پنجم میلادی (فریجات، ۱۴۱۴: ۱۳۶) در آنجا دیده شده‌اند (بکری، ۱۹۹۲: ۴۹/۱). با توجه

---

۱ سه منطقه را وادی‌السباع گفته‌اند. وادی‌السباع در ۷ کیلومتری جنوب غرب بصره و در مسیر مکه قرار دارد که البته آن را در فاصله ۱۵ فرسخی جنوب قادسیه نیز دانسته‌اند (حموی، ۱۹۹۵: ۳۴۳/۵). مکان دیگر وادی‌السباع نزدیک کوفه در جهت بیابان گزارش شده است (ابن‌خیاط، ۱۳۹۷: ۳۷۳). اقوال کمی هم وادی‌السباع را در شام و انتهای مسیر بغداد به رقّه دانسته‌اند (ابن‌أعثم کوفی،۱۴۱۱: ۴۷۱/۲). با توجه به این سه گزارش، به نظر می‌رسد وادی‌السباع در میان بیابان‌های بصره و کوفه قرار گرفته بود که با گذشت زمان، مرزها و نام آن تغییر یافت؛ چنان‌که امروزه به جای وادی‌السباعِ بصره، شهر الزبیر است.

به شعر أخنس‌بن شهاب،[۱] حضور کلبیان در رمل عالج (کویر نَفود) تا اندکی قبل از ظهور اسلام، ثابت شده است، اما از آنجا که بین آنها و دیگر قبایل، سرزمین طیّ قرار داشت، قبیلهٔ طی جایگزین آنها شدند (جاسر، ۱۹۷۰: ۴۳، ۴۴، ۱۲۲).

ورود فرزندان نزار به نجد، قبایل کلبی را مجبور به کوچ از نجد به مناطق دیگر کرد؛ مانند بنی‌عامربن عوف و بنی‌عبدالله‌بن کنانه و هم‌پیمانانشان از کلب که با بنی-کنانه در «یوم نهاده» درگیر شدند (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۶۰۱/۲، ۶۲۲، ۶۲۶؛ بکری، ۱۹۹۲: ۵۰/۱-۴۵). بنی‌عبدالله پس از شکست، به عُسفان در هشتاد کیلومتری شمال مکه رفتند (حموی، ۱۹۹۵: ۱۲۱/۴، ۱۲۲؛ *موسوعة مملكة العربية السعودية*، ۱۴۲۲: ۳۲۲/۲، ۳۵۶) و تا صدر اسلام که پیامبرخدا(ص) آنها را به اسلام فرا خواند، در آنجا بودند (طبری، ۱۹۶۷: ۳۴۹/۲). برخی دیگر نیز در «جَدیر» نزدیک جدّه ساکن شدند (حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۳/۲؛ بکری، ۱۹۹۲: ۱۷/۱، ۳۷۰/۲) و بنی‌عامر نیز در کنار چشمه‌های أسیاح که به آنها «نباج بنی‌عامر» می‌گفتند، پراکنده بودند (حموی، ۱۹۹۵: ۲۵۵/۵؛ ابن‌حائک، ۱۴۱۰: ۲۴۹). بنابراین مرزهای سرزمین کلب در دورهٔ سکونت در مرکز جزیرة-العرب را می‌توان به نواحی نجد و بالای آن در رمل عالج محدود دانست که از سمت شمال به شام و از شمال شرقی به حیره و از جنوب به سرزمین قبایل غطفان و از غرب به سرزمین‌های بنی‌قین، عذره و بلی و از جنوب شرق با سرزمین بنی‌اسد و قبیله تمیم همسایه بودند (کحاله، ۱۹۹۴: ۳۶۲/۵).

شمال و شمال شرق جزیرةالعرب: سماوه، عَرعَر و حیرة (مکان ۴ در نقشه)

طبق گزارش‌ها برخی طایفه‌های قضاعه و کلب پس از ساکن شدن در مرکز جزیرةالعرب، دوباره به یمن مهاجرت کردند (همدانی، ۲۰۰۴، ۱۲۴/۱)؛ مانند دو طایفهٔ عُصر و غُنم، فرزندان حراث‌بن عوف‌بن عامرالاکبر و همچنین بنی‌جلاح که در جوار اهل یمن زندگی می‌کردند (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۶۰۸/۲، ۶۰۹). مدت اقامت کلبیان در یمن خیلی طول نکشید؛ زیرا جنگ‌های آنها با مردم بومی یمن باعث شد از این بلاد به وادی «سماوه» نقل مکان کنند و در کنار دیگر پسرعموهای کلبی خود ساکن شوند (بکری، ۱۹۹۲: ۲۴/۱). سرزمین سماوه شامل بیابان‌های خشک جنوب

۱ وکلب لها خبت فرملة عالج * إلی حرة الرجلاء حیث تحارب (حموی، ۱۹۹۵: ۳۶۹/۴؛ ابن‌حائک، ۱۴۱۰: ۳۲۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

غربی عراق امروزی، حد فاصل غرب فرات تا مرزهای شمال غربی عربستان (شبیبی، ۱۹۲۰: ۱۳؛ Bosworth, 1995: 8/1041) که قلمرو جدید آن بسیار محدودتر از توصیف مورخان قدیم است (جاسر، ۱۹۷۰: ۵۰۵)، جایگاه اختصاصی و پناهگاهی امن برای بنی‌کلب بود. در سماوه نه تنها کسی با قبیلهٔ کلب شریک نشد (ابن‌حائک، ۱۴۱۰: ۲۴۳)، بلکه آنچنان به آنها تعلق پیدا کرد که برخی از مناطق آن مانند «جَناب» با نام بزرگان قبیله همراه شد (حموی، ۱۹۹۵: ۱۶۴/۲). جغرافی‌دانان در کنار سماوه از سرزمینی به نام «دیار بنی‌کلب» در شرق دومةالجندل به سمت نجد و جنوب صحرای سوریه (حموی، ۱۹۹۵: ۲۲۱/۱، ۱۹۲/۴؛ بخیت، ۱۹۸۷: ۱۵۹/۳) و صحرای عرعر نام می‌برند که کلبیان در این دوره در بیابان‌های خشک میان مدار ۲۹ تا ۳۱ درجه شمالی مستقر بودند؛ جایی که کمتر قبیله‌ای حاضر بود در آنجا مستقر شود و برای آن با دیگر قبایل ستیز کند (جاسر، ۱۹۷۰: ۱۳۴). تنها در شرق این مناطق وادی سماوه وضعیت بهتری داشت؛ زیرا متأثر از اقلیم حاشیهٔ فرات بود.

تسلط طایفه‌های کلبی بر آب‌ها، دشت‌ها، مراتع و بستان‌های سماوه به گونه‌ای بود که تا دورهٔ اسلامی به «سماوه کلب» شناخته می‌شد (شیخو، ۱۹۸۹: ۴۴؛ عباس، ۱۹۹۰: ۱۴۴؛ جاسر، ۱۹۷۰: ۵۰۵) و حتی اشعاری در این مورد باقی مانده است. بر همین اساس، عبدالملک مروان در درگیری بین کلب و بنوقین با استناد به شعری قدیمی از نابغهٔ ذبیانی[1] چشمهٔ قراقر را برای کلب دانست (حموی، ۱۹۹۵: ۳۱۸/۴). وجود فرزندان عوف‌بن أبی‌سلمی (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۶۱۱/۲) و بنوعماربن عبدالمسیح از طایفه کلبی بنی‌عامر الاکبر (حموی، ۱۹۹۵: ۳۶۰/۴) و برخی تیره‌های منتسب به کلب مثل عدسیون (غنیمة، ۱۹۳۶: ۲۶) و زبید در «حیره»، این منطقه را به قلمرو دیگر قضاعیان تبدیل کرده بود (العامری، ۱۹۹۲: ۱۸/۱). حضور آنها در حیره روابط دوستانهٔ بزرگان کلب با پادشاهان لخمی (۲۶۸ـ ۶۳۲م) را به همراه داشت (طبری، ۱۹۶۷: ۲۱۳/۲؛ غنیمة، ۱۹۳۶: ۲۰۱؛ Rothstein, 1899: 89).

غرب و شمال غرب جزیرةالعرب: دومةالجندل، وادی‌القری، تبوک (مکان ۵ در نقشه)

اصلی‌ترین نمایندهٔ قضاعیان در ابتدای ظهور اسلام، قبیلهٔ کلب بود که در مرز شام

---

۱ یظل الإماء یبتدرن قدیحها * کما ابتدرت کلب میاه قراقر (نابغهٔ ذبیانی، ۱۹۹۰: ۱۷۵).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

سکونت داشت. گزارش‌های تاریخی گویای آن است که بنی‌کلب پس از فرمانروایی غسانیان (حدود ۵۲۹ ـ۶۱۴م) در این منطقه، در دومةالجندل و تبوک تحت فرمانروایی حاکمان کندی منصوب‌شده از سوی روم زندگی می‌کردند (بکری، ۱۹۹۲: ۵۰/۱؛ نولدکه، ۱۹۳۳: ۱۶؛ Musil, 2009: 546). ادارهٔ معبد بت «وُدّ» در دومةالجندل از سوی عامر الأجداربن عوف و دیگر طایفه‌های کلبی[1] (یعقوبی، بی‌تا: ۲۵۵/۱؛ ابن‌کلبی، ۱۳۶۴: ۱۵۰) و در دست داشتن عمده بازار دومةالجندل از سوی کلبیان، گواه حضور بنی‌کلب در آن مناطق در دوره‌ای از تاریخ پیشااسلامی تا زمان فتح آن در دورهٔ اسلامی است. به نظر «پیتر وب»، کلبیان از دومةالجندل «وادی سرحان» در مسیر شام به جزیرةالعرب را کنترلَ می‌کردند (اوتینگ، ۲۰۱۴: ۱۲۴؛ Webb, 2020: 75).

شمال جزیرةالعرب: دمشق، حماة و تدمر (مکان ۶ در نقشه)

با وجود آنکه مورخان دورهٔ اسلامی از پادشاهی قضاعه در شام سخن گفته‌اند، اما از چگونگی و زمان آن خبری در دست نیست؛ زیرا در کاوش‌های باستان‌شناسی در جنوب شام (مناطق تحت نفوذ قضاعه) هیچ اثری از پادشاهی و حکام قضاعه یافت نشده است؛ چنان‌که از کلب نیز نامی در هیچ‌یک از کتیبه‌های دوران قبل از اسلام به صراحت نیامده است (Webb,2020: 75). بنابراین با این احتمال که برخی اخبار قضاعیان در تاریخ –به‌ویژه مکتوبات پس از اسلام– غیرواقعی و با هدف تاریخ‌سازی قبیله‌ای بوده است (باشمیل، ۱۹۷۳: ۱۵۶ـ۱۶۲)، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از پادشاهان قضاعه، همان شیوخ و بزرگان قبیله‌اند که پس از انتقال از جنوب به شمال، با گسترش قدرت و بالا گرفتن شوکتشان، چیزی شبیه به حکومت را تأسیس کرده بودند.

ردّ پای قبایل قضاعه و کلب را در بیابان‌های شمالی‌تر نیز می‌توان یافت. مجموعه‌هایی از این قبیله در حوالی شهر تدمر، در بیابان‌های شمالی میانهٔ عراق و شام سکونت داشتند و قبیلهٔ بهراء از قضاعه در شهر حمص مستقر شده بودند. هر دو منطقه در حد فاصل عرض ۳۴ تا ۳۵ شمالی است و از قضا در مسیر تجاری جادهٔ

---

۱ او اولین خادم «ودّ» بود و نام یکی از فرزندانش را عبدود گذاشت. این منصب تا ظهور اسلام در نسل او موروثی بود (ابن‌کلبی، ۱۳۶۴: ۵۵، ۱۵۰).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

ابریشم از شرق به غرب قرار دارد (اوپنهایم، ۲۰۰۷: ۴۱۳/۱) که نیروهای تأثیرگذاری در امتداد مرزهای امپراتوری بیزانس بودند (Webb, 2020: 75). این اتفاق احتمالاً زمانی افتاده است که قبیلهٔ کلب به برجسته‌ترین هم‌پیمان شاخهٔ سفیانی سلسله اموی تبدیل شد. چندان بعید نیست که سفیانیان به دلیل برتری توان نظامیان کلب، با آنان خویشاوند شده باشند. همین امر حضور آنان را در مناطق مساعدتر و در موقعیت‌های برتر اقتصادی قرار داد؛ چنان‌که شواهدی از حضور آنان در تَدْمُر (ابن‌حائک، ۱۴۱۰: ۱۳۲، ۲۰۶)، دمشق (Fuck, IV/492) و روستاهای اطراف آن مانند غوطه (حموی، ۱۹۸۸: ۴۱۷/۴)، مِزّة (حموی، ۱۹۹۵: ۱۲۲/۵)، سلمیّة (حموی، ۱۹۹۵: ۴۲۹/۲) و همچنین شهر حماة و منطقه جولان (باشمیل، ۱۹۷۳: ۱۴۴) در اختیار است.

مناطق مهم حضور کلبیان در حکومت امویان و پس از آن

معاویه از کلبی‌ها که وفادارترین افراد بودند، در تأسیس دولتش بهره برد و دیگر حکام اموی نیز در طول حکومت خویش بر آنها اعتماد کردند؛ تا جایی که گفته می‌شود هیچ قبیله‌ای چون کلب، بنی‌امیّه را تأیید و حمایت نکرد (ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۲۷۳/۷). از این رو، بخشی از مناسبات سیاسی–نظامی امویان و کلبیان با انتصاب والیان و فرماندهان کلبی بود که در پی برقراری امنیت، دفع شورش‌ها و دریافت خراج، جغرافیای تازه‌ای را برای این قبیله، از سند تا اندلس رقم زد. فتوحات اولین عرصهٔ همراهی بنی‌کلب با امویان بود و پای سربازان کلبی را به قسطنطنیه (ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۱۵/۲۴؛ ابن‌عدیم، [بی‌تا]: ۲۱۹۷/۵، ۲۹۶۹) و طبرستان (طبری، ۱۹۶۷: ۵۴۰/۶) باز کرد.

به نظر می‌رسد حضور والیان کلبی احتمال کوچ طوایف بنی‌کلب را به مناطق تحت نفوذشان بیشتر می‌کرد؛ همچنان‌که افرادی از این طایفه کنار حسّان‌بن مالک در فلسطین و اردن زندگی می‌کردند (ابن‌أثیر، ۱۹۶۵: ۱۴۵/۴، ۱۴۶؛ صفدی، ۲۰۰۰: ۲۷۷/۱۱) و حکومت سعیدبن مالک بر قنسرین و الجزیره سبب سکونت کلبیان در این مناطق شده بود (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۵۵۷/۲؛ ابن‌عدیم، [بی‌تا]: ۳۸۰۱/۸). آنها برای دفع شورش جراجمه، به مرزهای روم تا جبال جولان و لبنان راه پیدا کردند

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

(سمعانی، ۱۹۶۲: ۴۲/۷، ۳۱۸/۸؛ ابن‌أثیر، ۱۹۶۵: ۳۰۴/۴). فرماندهی چون «مَنْصوربن جُمْهُور کلبی» به سیستان و خراسان در شرق جهان اسلام دست یافت و حاکم سند و خراسان شد؛ چنان‌که ابتدای حکومت عباسیان نیز در آنجا حاکم بود (طبَری، ۱۹۶۷: ۲۷۰/۷، ۲۷۲؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۵۴۳). پای کلبیان به دنبال سرکوب قیام‌های ضد علوی به مناطق مرکزی ایران نیز باز شد و «مُدْرِک‌بن ضَبّ» برای نبرد با باقیماندهٔ آل مهلب به فارس و کرمان رفت (بلاذری، ۱۹۶۶: ۳۳۵/۸؛ طبری، ۱۹۶۷: ۶۰۱/۶؛ ابن‌أعثم، ۱۴۱۱: ۲۳۱/۸). البته بشربن صفوان نیز از سوی عمربن عبدالعزیز برای نظارت بر امور حکومتی عازم فارس شده بود (بلاذری، ۱۹۹۶: ۱۹۴/۸).

سمت غرب جزیرةالعرب و شمال آفریقا را هم باید محل حضور قبیلهٔ کلب دانست. بشْربن صَفْوَان کلبی معروف به «امیر مغرب» (زرکلی، ۱۹۸۹: ۵۴/۲؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۹/۷) ابتدای قرن دوم والی مناطقی بود که مصر و افریقیّه (تونس) را در برمی‌گرفت (یعقوبی، [بی‌تا]: ۳۱۸/۲؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۷۴؛ ابن‌أثیر، ۱۹۶۵: ۳۱۱/۵). او و کلبیان همراهش برای به دست آوردن غنایم به جزیرهٔ صقلیه (سیسیل) نیز پای گذاشتند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۷۹، ۲۷۴؛ صفدی، ۲۰۰۰: ۹۳/۱۰). برادرش حَنْظَلَه هم در این مناطق حکومت کرد (ابن‌خیاط، ۱۳۹۷: ۲۴۳؛ ابن‌أثیر، ۱۹۶۵: ۱۹۳/۵) و پس از تلاش برای آبادانی قیروان و مسجد جامع آن، در همان‌جا درگذشت (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۲۹؛ مونس، ۱۹۹۲: ۱۰۸/۱). بنابراین عدهٔ زیادی از مردم کلب در شمال آفریقا زندگی می‌کردند، اما مهم‌ترین محل تجمع کلبیان مصر بود و از طایفه‌هایی منتسب به کلب مانند جَمارسَه در مُرتاحیّه و دقْهَلیّه در مناطق شمالی مصر نام برده شده است[1] (عمری، ۱۴۲۳: ۳۸۷/۴؛ کحاله، ۱۹۹۴: ۷۸۴/۲). حرکت مروان‌بن محمد آخرین خلیفهٔ اموی به سمت مصر و برتری دادن شُرَحْبیل‌بن مُذَیْلفَه کلبی و دیگر کلبیان ساکن حوف شرقی در ساحل نیل (حموی، ۱۹۹۵: ۳۲۲/۲؛ کندی، ۲۰۰۳: ۷۱؛ بامطرف، [بی‌تا]: ۲۳۳/۳) و همچنین تشویق کلثُم‌بن مُنْذربن عَامر کلبی در سال ۱۴۵ق. به پیوستن به قیام نفس زکیه در مصر، بیانگر وجود طایفه‌های کلب در مصر است (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۶۱۱/۲؛ کندی، ۲۰۰۳: ۸۶). البته به نظر می‌رسد پس از

---

۱ امروزه استانی به نام «دقهلیة» در شمال قاهره و سواحل مدیترانه به مرکزیت منصوره وجود دارد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

سقوط امویان و در قرن دوم و سوم تعداد آنها در این منطقه رو به فزونی رفت و بسیاری از زعمای کلب در مناطق مختلف مصر سکنی گزیدند. طی این مهاجرت‌ها فرزندان ابوالخطار کلبی (حاکم اموی اندلس) سال‌ها در اشْبیلیّه (سویا در اسپانیا) ساکن بودند (ابن‌حزم اندلسی، ۱۹۸۳: ۴۵۷) و برخی دیگَر از مردمان منسوب به قبیلهٔ کلب در قرن چهارم قمری به جزایر صقْلیّه (سیسیل در جنوب ایتالیا) دست یافتند؛ به‌طوری که گروه‌هایی از آنها کارگزَارن حکومت فاطمیان در صقلیه بودند (زرکلی، ۱۹۸۹: ۲۳۰/۵؛ عباس، [بی‌تا]: ۴۴).

بدین ترتیب، جغرافیای قبیلهٔ کلب با انقراض امویان به مناطق حاشیه‌ای جهان اسلام محدود شد. از این رو، جغرافی‌دانان برخی از نواحی لاذقیه و روستای «الکلبة» در ساحل دریای شام را به بنی‌کلب نسبت می‌دهند (حموی، ۱۹۹۵: ۴۷۶/۴؛ بغدادی، ۱۴۱۲: ۱۱۷۵/۳). همچنین گزارش‌هایی از حضور کلبیان در سرزمین نوبه در شمال حبشه[1] در قرن ششم قمری وجود دارد (کحاله، ۱۹۹۴: ۹۹۱/۳؛ بورکهارت، ۲۰۰۷: مقدمه). هنوز هم برخی معتقدند قلمرو سنتی نسل کلب در وادی سَرحان و جوف (مرزهای اردن امروزی) وجود دارد؛ زیرا قبیلهٔ «شَرارات» که از نسل کلب‌بن وبره‌اند، در آنجا زندگی می‌کنند (جاسر، ۱۹۷۰: ۴۴-۴۶).

ضروری است در انتهای مباحث مربوط به جغرافیای قبیلهٔ کلب، به شهر کوفه نیز اشاره شود؛ زیرا این شهر در میانهٔ قرن اول و دوم قمری پیروان خاندان رسول - خدا(ص) و دانشمندان شیعی را در خود جای داده بود که عده‌ای از آنها از طایفهٔ بنی‌عامر کلب بودند. از جملهٔ آنها «عبدالأعْلی‌بن زیْدبن شُجاع کلبی» جوانی از شیعیان کوفه بود که با سفیر امام حسین(ع) به شَهادت رسید (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۶۳۰/۲؛ أمین، [بی‌تا]: ۶۰۶/۱). سایر دانشمندان کلبی نیز در کنار مُحَمَدبن سَائب‌بن بشَر کلبی و پسرش ابن‌کلبی در کوفه ساکن بودند (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۶۲۹/۲؛ ابن‌سَعد، ۱۹۶۸: ۳۵۹/۶؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۵۷). شیخ طوسی نیز در کتاب رجال خود نام ۲۳ نفر از اصحاب کلبی امام صادق(ع) را فهرست کرده که اهل کوفه بودند (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۸، ۱۹۹).

---

۱ منطقه‌ای در جنوب مصر و در کنار رود نیل تا شمال سودان (بورکهارت، ۲۰۰۷: مقدمه).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

نتیجه گیری

مهاجرت قبایل قضاعه از جنوب جزیرةالعرب به شمال و به دنبال آن حضور جدی طایفه‌های کلب در گسترهٔ وسیعی از جغرافیای جزیرةالعرب سبب شد سرزمین‌های بسیاری با نام آنها همراه شود. قضاعیان در دورهٔ کهنِ عرب، ساکن یمن بودند و پس از میلاد مسیح(ع) با شکسته شدن سد مأرب به سرزَمین‌های میانی جزیرةالعرب مهاجرت کردند. در قرن دوم میلادی و با حضور کلب‌بن وبره در وادی‌السباع، رفته-رفته طایفه‌های بزرگ کلبی شکل گرفت. آنها در مناطق مرکزی جزیرةالعرب، مانند نجد و جَناب و جنوب بادیةالشام مثل سماوه و عرعر استقرار پیدا کردند و حتی بیابان سماوه به دلیل حضور آنها به سماوهٔکلب معروف شد. توسعهٔ طایفه‌های کلبی و هم‌جواری با قبایل بزرگ سبب شد هر یک از تیره‌های کلب در پی زندگانی راحت به قسمتی از جزیرةالعرب کوچ کنند. از این رو، بسیاری از طایفه-های کلب با حکومت مناذره در حیره رابطه داشتند و برخی دیگر از آنها در غرب جزیرةالعرب و مشارف شام در قرن ششم میلادی با حکومت غسانیان ارتباط برقرار کرده بودند. در اواخر دورهٔ پیشااسلامی کلبیان در مناطق مهم شمال غرب جزیرةالعرب از جمله دومةالجندل و تبوک متمرکز بودند. تسلط کلب بر این مناطق تا ظهور اسلام ادامه داشت، اما پس از اسلام با حرکت به قسمت‌های درونی صحرای شام، در شهرهای دمشق، حلب، تدمر و بالاتر از آن تا مرزهای روم ساکن شدند. بدین ترتیب، کلبیان در نیمهٔ قرن اول قمری به دلیل هم‌پیمانی با حکومت امویان به صاحبان قدرت و مالکان سرزمین‌های وسیع در شام تبدیل شدند، اما پس از ضعف بنی‌امیه طی قرن دوم و سوم قمری به شمال آفریقا رفتند و به مناطق مهمی از آنجا دست یافتند.

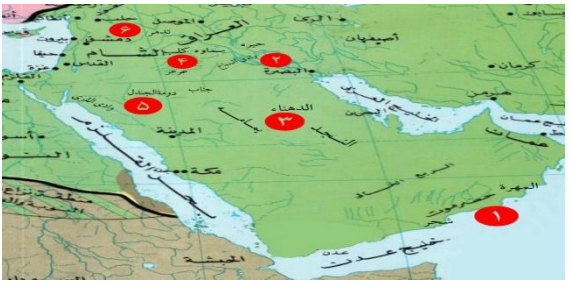

نقشه مناطق تحت سیطره قبیله قضاعه و بنی‌کلب (طبق ترتیب زمانی)

نقشه جای‌گیری و انتشار اکثریت طایفه‌های قضاعه و کلب در طول زمان

منابع و مآخذ

- ابن‌حائک، حسن‌بن احمد (۱۴۱۰ق)، *صفة جزیرة العرب*، تحقیق محمدبن علی الاکوع الحوالی، صنعا: مکتبة الإرشاد.
- ابن‌سعد، محمد (۱۹۶۸م)، *الطبقات الکبری*، ج۱، ۶، بیروت: دار صادر.
- ابن‌أثیر، علی‌بن محمد (۱۴۰۹ق)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، ج۴، ۵، بیروت: دارالفکر.
- ..... (۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، ج۴، ۵، بیروت: دارصادر- داربیروت.
- ابن‌أعثم کوفی، محمدبن علی (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، ج۲، ۸، بیروت: دارالأضواء.
- ابن‌حزم اندلسی، علی‌بن احمد (۱۹۸۳م)، *جمهرة أنساب العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمان‌بن محمد (۱۹۸۸م)، *العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی أیام العرب و العجم و البربر.....*، ج۲، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌خیّاط، خلیفة (۱۳۹۷ق)، *تاریخ خلیفةبن خیاط*، تحقیق دکتر أکرم ضیاء العمری، دمشق: نشر دارالقلم، الطبعة الثالثة.
- ابن‌عبدربه قرطبی، احمدبن محمد (۱۹۸۷م)، *العقد الفرید*، ج۳، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن‌عدیم، عمربن احمد [بی‌تا]، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، ج۵، ۸، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌عساکر، علی‌بن حسن (۱۹۹۵م)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، ج۷، ۲۴، بیروت: [بی‌نا].
- ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل‌بن عمر (۱۹۹۷م)، *البدایة و النهایة*، تحقیق عبدالله‌بن عبدالمحسن الترکی، مصر: دارهجر.
- ابن‌کلبی، هشام‌بن محمد (۱۳۶۴ش)، *الأصنام*، تهران: نشر نو.
- ..... (۱۹۸۸م)، *نسب معد و الیمن الکبیر*، ج۱، ۲، بیروت: [بی‌نا].
- اصفهانی، حمزة‌بن حسن [بی‌تا]، *تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبیاء*، [بی‌جا]: [بی‌نا].

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

- العامری، ثامر عبدالحسن (۱۹۹۲م)، *موسوعة العشائر العراقیّة*، ج۱، بغداد: دارالشؤون الثقافیة العامة.
- الفریجات، عادل عطاءالله (۱۴۱۴ ـ ۱۴۱۵ق)، «زهیر بن جناب، اخباره و ماتبقی من شعره»، قاهره: *معهد المخطوطات العربیة*، العدد ۸۰ و ۸۱، صص۱۲۹-۱۸۲.
- امین، سید محسن [بی‌تا]، *أعیان الشیعة*، ج۱، بیروت: دارالتعارف.
- اندلسی مغربی، ابن‌سعید(۱۹۸۲م)، *نشوة الطرب فی تاریخ جاهلیة العرب*، تحقیق دکتر نصرت عبدالرحمن، اردن: نشر الأقصی.
- اوپنهایم، فون (۲۰۰۷م)، *البدو*، ج۱، لندن: دار الوراق.
- اوتینگ، یولیوس (۲۰۱۴م)، *رحلة الی داخل الجزیرة العربیة*، ترجمهٔ محمود کبیبو و عماد غانم، لندن: دار الوراق.
- باشمیل، محمد احمد (۱۹۷۳م)، *العرب فی بلاد الشام قبل الاسلام*، دمشق: [بی‌نا].
- بامطرف، محمد عبدالقادر [بی‌تا]، *جامع شمل أعلام المهاجرین المنتسبین إلی الیمن و قبائلهم*، ج۳، بغداد: دارالرشید.
- بخیت، محمد عدنان (۱۹۸۷م)، *بلاد الشام فی صدر الإسلام*، ج۳، عمان: دانشگاه اردن و دانشگاه یرموک.
- بغدادی، صفی‌الدین عبدالمؤمن‌بن عبدالحق (۱۴۱۲ق)، *مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع*، ج۳، بیروت: دارالجیل.
- بکری، عبدالله‌بن عبدالعزیز (۱۹۹۲م)، *المسالک و الممالک*، تحقیق أدریان فان لیوفن و أندری فیری، ج۱، ۲، ۳، بیروت: دارالغرب الإسلامی.
- بلاذری، أحمدبن یحیی (۱۹۸۸م)، *فتوح البلدان*، بیروت: مکتبة الهلال.
- .....(۱۹۹۶م)، *انساب الأشراف*، ج۸، بیروت: دارالفکر.
- بورکهارت، جون لویس (۲۰۰۷م)، *رحلات بورکهارت فی بلاد النوبه و السودان*، ترجمه فؤاد اندراوس، قاهره: نشر مجلس الاعلی للثقافة.
- پیگولوسکایا (۱۳۷۲ش)، *اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم ـ ششم میلادی*، ترجمهٔ عنایت‌الله رضا، تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- تغلبی، أخطل [بی‌تا]، *دیوان اخطل*، بیروت: دارالآفاق.
- جاسر، حمد (۱۹۷۰م)، *فی شمال غرب الجزیرة*،[بی‌جا]: [بی‌نا].
- حتی، فیلیپ، ادوارد جرجی و جبرائیل جبّور (۱۹۹۴م)، *تاریخ العرب*، بیروت: دارغندوز، الطبعة التاسعة.
- حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، ج۱، ۲، ۳، ۴، ۵، بیروت: دارصادر.
- دلو، برهان‌الدین (۲۰۰۴م)، *جزیرة العرب قبل الاسلام*، بیروت: دارالفارابی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

- ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۰۵ق)، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمربن عبدالسلام تدمری، ج۷، طرابلس: [بی‌نا].
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م)، *الأعلام*، ج۲، ۵، بیروت: دارالعلم للملایین.
- زیدان، جرجی(۱۹۲۲م)، *العرب قبل الاسلام*، مصر: نشر الهلال.
- سجستانی، ابوحاتم (۱۹۶۱م)، *المعمّرون و الوصایا*، تحقیق عبدالمنعم عامر، مصر: دارالکتب العربیة.
- سقاف، عبدالرحمان [بی‌تا]، *إدام القوت فی ذکر بلدان حضرموت*، بیروت: دارالمنهاج.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۹۶۲م)، *الأنساب*، ج۲، ۷، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة.
- شبیبی، محمدرضا (۱۹۲۰م)، «رحلة فی بادیة السماوة (۱۳۳۹ق/۱۹۲۰م)»، *مجلة المجمع العلمی العراقی*، ج۱۱، صص۱-۱۰۹.
- شُرّاب، محمد (۱۴۱۱ق)، *المعالم الأثیرة فی السنة و السیرة*، بیروت: دارالشامیة.
- شرف‌الدین، احمد حسین (۱۹۶۴م)، *الیمن عبر التاریخ*، یمن: چاپخانه السنة المحمدیة، الطبعة الثانیة.
- شهید، عرفان (۲۰۰۸م)، *روما و العرب*، ترجمهٔ قاسم محمد سویدان، دمشق: دارکیوان.
- شیخو، لویس (۱۹۸۹م)، *النصرانیة و آدابها بین عرب الجاهلیة*، بیروت: دارالمشرق.
- صدوق، علی‌بن بابویه [بی‌تا]، *فضائل الأشهر الثلاثة*، تحقیق غلامرضا عرفانیان، نجف اشرف: [بی‌نا].
- صفدی، خلیل‌بن أیبک (۲۰۰۰م)، *الوافی بالوفیات*، تحقیق أحمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی، ج۱۰، ۱۱، بیروت: دار إحیاء التراث.
- طبری، محمدبن جریر (۱۹۶۷م)، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج۱، ۲، ۶، بیروت: دارالتراث.
- طقوش، محمدسهیل(۱۳۹۲ش)، *دولت امویان*، ترجمه حجت الله جودکی، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ۷.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۷۳ش)، *رجال*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- .....(۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، قم: نشر الفقاهة.
- عباس، احسان (۱۹۹۰م)، *تاریخ بلاد الشام (ماقبل الاسلام حتی بدایة العصر الأموی ۶۰۰ ـ۶۶۱م)*، عمان: دانشگاه اردن.
- ..... [بی‌تا]، *العرب فی صقلّیة*، قاهره: دارالمعارف.
- علی، جواد (۱۹۹۳م)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج۱، ۳، ۴، بیروت: دارالعلم للملایین
- عمری، ابن‌فضل‌الله (۱۴۲۳ق)، *مسالک الأبصار فی ممالک الأمصار*، ج۴، أبوظبی: نشر المجمع الثقافی.
- غنیمة، یوسف رزق‌الله (۱۹۳۶م)، *حیرة، المدینه و المملکة العربیة*، بغداد: [بی‌نا].
- فخری، احمد (۱۹۶۳م)، *دراسات فی التاریخ الشرق القدیم*، قاهره: مکتبة الأنجلو المصریة.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

- کندی، ابوعمر (۲۰۰۳م)، *کتاب الولاة و کتاب القضاة*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- کحاله، عمررضا (۱۹۹۴م)، *معجم قبائل العرب القدیمة و الحدیثة*، ج۲، ۳، ۵، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ج۹۷، بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانیة.
- مسعودی، علی‌بن حسین [بی‌تا]، *التنبیه و الإشراف*، بیروت: دار صعب.
- .....(۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ج۲، قم: دار الهجرة.
- مقدسی، مطهربن طاهر [بی‌تا]، *البدء و التاریخ*، ج۴، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.
- *موسوعة مملکة العربیة السعودیة* (۱۴۲۲ق)، ج۲، ریاض: کتابخانه ملک عبدالعزیز.
- مونس، حسین (۱۹۹۲م)، *تاریخ المغرب و حضارته من قبیل الفتح العربی إلی بدایة الإحتلال الفرنسی*، ج۱، بیروت: نشر العصر الحدیث للنشر و التوزیع.
- نابغهٔ ذبیانی، زیادبن معاویه (۱۹۹۰م)، *دیوان نابغه*، قاهره: دارالمعارف.
- نولدکه، تئودور (۱۹۳۳م)، *امراء غسان*، بیروت: الجامعة الإمریکیة.
- نیلسن، دیتلف و فرتز هومل (۱۹۵۸م)، *التاریخ العربی القدیم*، ترجمه فؤاد حسنین علی، قاهره: مکتبة النهضة.
- ولهاوزن، یولیوس (۱۹۶۸م)، *تاریخ الدولة العربیة من ظهور الاسلام الی نهایة الدولة الأمویة*، ترجمهٔ محمد عبدالهادی أبوریدة و حسین مونس، قاهره: انجمن تألیف و ترجمه و نشر.
- وهب‌بن منبه [بی‌تا]، *تیجان فی ملوک الحمیر*، صنعا: مرکز الدراسات و ألابحاث الاسلامیة.
- همدانی، حسن‌بن احمد (۲۰۰۴م)، *الإکلیل من اخبار الیمن و أنساب الحمیر*، تحقیق محمد الأکوع الحوالی، صنعاء: دار الکتب.
- یعقوبی، احمدبن أبی‌یعقوب [بی‌تا]، *تاریخ یعقوبی*، ج۱، ۲، بیروت: دار صادر.

منابع لاتین

- Bosworth, C. E. (1995*), Encyclopaedia of Islam* , Vol.VIII, Leiden: Brill
- Fuck, J. W. (1997), *Encyclopaedia of Islam*, Vol.IV, Leiden: Brill
- Glaser, Eduard (1897), *"Der Damm von Mârib"*, Österreichische Monatsschrift für den Orient , Vienna: K. K. Östkrr, Trade Museums,Vol.23, PP126-128.
- Glaser, Eduard (1897), *Zwei Inschriften über den Dammbruch von Mârib*, Berlin: Wolf Peiser Verlag
- Jamme, A (1961), *New Sabaean Inscriptions from Mahram Bilgis(Marib)*, Baltimore: John Hopkins
- Musil, Alois (2009), *Arabia Deserta(A Topographical Itinerary)*, The University

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

of California.
- Rothstein, Gustav (1899), *Die Dynastie der Lahmiden in al-Hîra. Ein Versuch zur arabisch-persichen Geschichte zur Zeit der Sasaniden*, Berlin.
- Webb, Peter (2020), *Encyclopaedia of Islam*, Third Edition, Brill Online.
- Wilkinson, J.C. (1987), *The Imamate tradition of Oman*, Cambridge: Cambridge University Press.

List of sources with English handwriting

- Abbas, Ehsan(1990), *History of the Levant (before Islam, even in the beginning of the Umayyad period*, 600-661 AD), Oman: University of Jordan
- Abbas, Ehsan, *Al-Arab Fi Saqliya*, Cairo: Dar Al-Ma'arif.
- Aghili, Ibn Adim, *Boghi al-Talab, History of halab*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Al-A'meri, Thamer Abdul Hassan (1992), *The Society of Iraqi Nomads* Baghdad: Public Cultural Center.
- Al-Farijat, Adel Attaullah (1993-1994), *"Zuhair Ibn Janab, Akhbar and its follower of poetry"*, Al-Mukhtootat Al-Arabiya, No. 80 and 81.
- Ali, Jawad (1968), *Detailed in the History of the Arab Qibla before Islam*, Beirut: [Anonymous].
- Al-Isfahani, Hamza Ibn Hassan, *Sunni History of the Kings of the Earth and the Prophets*, [Anonymous].
- Amin, Seyed Mohsen, *Shiite lords*, Beirut: Dar al-Ta'rif.
- Amri, Ibn Fadhluallah (2002), *Masalak al-Absar fi al-Malik al-Masar*, Abu Dhabi: Nashr al-Majma 'al-Thaqafi.
- Andolusi Maghribi, Ibn Saeed(1982), *Nashvato al-tarab fi tarikh aljahili'a Al-Arab*, Research by Dr. Nusrat Abdul Rahman, Jordan: Al-Aqsa Publishing, First Edition.
- Andolusy, Ibn Hazm (1983), *Journal of Arab Genealogy*, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Baghdadi, Muhammad ibn Sa'd (1968), *Al-Tabqat al-Kubra*, Beirut: Dar al-Sadr, first edition, 1968.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

- Baghdadi, Safi al-Din Abd al-Mu'men ibn Abd al-Haqq (1991), *Marased al-itela'a ala asma'e al-amkena & al-qa'a*, Beirut: Dar al-Jail, first edition.
- Bakri, Abduallah bin Abdul Aziz(1992), *Al-Masalak wa Al-Mamalak*, Research by Adrian Van Lioufan and Andrei Firi, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
- Balazori, Ahmad Ibn Yahya (1988*), Fotooho al-boldan*, Beirut: Al-Hilal Library.
- Bametraf, Muhammad Abdul Qadir, *Jame'a shaml a'alam of Immigrants Attributed to Yemen and Their Tribes*, Baghdad: Dar al-Rashid.
- Bashmil, Muhammad Ahmad (1973), *The Arabs in the Levant before Islam*, Damascus: [Anonymous].
- Blazeri, Ahmad Ibn Yahya(1996), *Ansab Al-Ashraf*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Bokhait, Mohammad Adnan (1987), *Balad al-Sham in Sadr al-Islam*, Oman: University of Jordan and Yarmouk University.
- Burkhart, John Lewis (2007), *Burkhart's Travels in The Arabian Peninsula and Sudan*, Tr by Fouad Andrews, Cairo: Supreme Council Publishing House.
- Dalv, Burhanuddin (2004), *The Arabian Peninsula before Islam*, Beirut: Dar al-Farabi.
- Damascus, Ibn Asaker (1995), *History of the City of Damascus*, Research by Ali Shiri, Beirut: [Anonymous].
- Damascus, Ibn Kathir (1997), *Albedaya & Alnahaya*, Research by Abdullah bin Abdul Mohsen Al-Turki, Egypt: Dar-alhejr, First Edition.
- Erfan, Shahid (2008), *Rome and the Arabs*, Tr Qasim Muhammad Suidan, Damascus: Dar al-kivan, first edition.
- Fakhri, Ahmad (1963), *Studies in the History of the Ancient East*, Cairo: Egyptian Anglican Library.
- Ghonima, Yusuf Rizkallah (1936), *Hira, The City and the Arab Kingdom*, Baghdad: [Anonymous].
- Hamedani, Hassan Ibn Ahmad (2004), *Al-akilil from Akhbar Al-Yaman and Ansab Al-Hamir*, research by Mohammad Al-Akwa Al-Hawali, Sanaa: Dar Al-Kitab.
- Hamedani, Ibn Hayek, *Safa of the Arabian Peninsula*, Sana'a: Ershad Publishing.
- Hemawi, Yaqut bin Abdullah (1995), *Dictionary of Countries*, Beirut: Dar Sadr.
- Ibn Khaldoun (1988), *Al-ebar*, Beirut:Dar Al-Fikr.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

- Jasser, Hamad (1970), *In the northwest of Algeria*, [Anonymous].
- Jazari, Ibn Athir (1989), *Asad al-Ghaba fi ma'rfat alsahabah*, Beirut:Dar al-Fikr.
- Jazri, Ibn Athir (1965), *Complete in History* , Beirut: Dar al-Sadr & Dar al-beirut.
- Kahhala, Omar Reza (1994), *Dictionary of Ancient Arab and Hadith Tribes*, Beirut: Al-Risalah Foundation.
- Kalbi, Hisham Ibn Mohammad (1985), *Al-Asnam*, Tehran, Offset: Nashr-e No.
- Kalbi, Hisham Ibn Muhammad (1988), *Nasab Moa'd and Al-Yaman Al-Kabir*, Beirut: [Anonymous], first edition.
- Kendy, Abu Omar (2003), *The Book of State and the Book of Judgment*, , Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Khuri Hitti, Philip, George, Edward, Jabour, Gabriel (1994), *History of the Arabs*, Beirut: Darghanduz, ninth edition.
- Library of King Abdul Aziz (2001), Encyclopedia of the Kingdom of Saudi Arabia, Riyadh: British Standards Institute.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1983), *Bihar al-Anwar*, Beirut: Al-Wafa Institute, second edition.
- Maqddasi, Motahar Ibn Tahir, *Al-Bada & Al-Tarikh*, Egypt: Maktab al-Thaqafah al-Diniya
- Masoudi, Ali Ibn Hussen (1989), *Morogh al-zahab & ma'aden al-johar*, Qom: Dar al-Hijra.
- Mons, Hussein (1992), *History of the West and His Presence*, Beirut: Al-Asr Al-Hadith Publishing House.
- Nielsen, Dietelf, Hummel, Fertz (1958), *Ancient Arabic History*, Tr Dr. Fouad Hassanin Ali, Cairo: Alnahda School.
- Noldeke, Theodore (1933), *Omara Ghassan*, Beirut: American Society.
- Oetting, Julius (2014), *Journey to the Arabian Peninsula*, Tr by Mahmoud Kabibo and Emad Ghanem, London: Dar Dar al-Warraq, first edition.
- Oppenheim, Von(2007), *Al-badve*, London: Dar Al-warraq
- Pigulevskaia, Nina Viktorovna(1993), *The Arabs on the Borders of Eastern Rome and Iran in the Fourth-Sixth Centuries AD*, Tr Enayatullah Reza, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]

- Qurtubi, Ibn Abd al-Barba (1987), Al-Aqd Al-Farid, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya.
- Saduq, Ali Ibn Babawiyyah, *Fazael al-ashor al-salas'a*, Reserch by Ghulam Reza Erfanian, Najaf Ashraf: Adab Print.
- Safadi, Khalil Ibn Aybak (2000), *Al-Wafi Al-Wafiyat*, Reserch by Ahmad Al-Arnaout and Turki Mustafa, Beirut: Dar Al-Haya Al-Tarath.
- Sajestani, Abu Hatim (1961), *Al-Mu'ammarun wa Al-Wasaya*, Reserch Abdul Moneim Amer, Egypt: Dar Al-Kitab Al-Arabiya.
- Samani, Abdul Karim (1962), *Al-ansab*, Hyderabad: Assembly of the Ottoman Encyclopedia.
- Saqqaf, Abdol Rahman, *Edam-o alghot fi Hadramaut*, Beirut: Dar al-Minhaj.
- Shabibi, Mohammad Reza(1920), *Travel in Samave* desert (1920 AD), Journal of the Iraqi Scientific Association, Vol. 11
- Sharafuddin, Ahmad Hussein (1964), Al-*Yaman Abar Al-Tarikh*, Yemen: Al-Sunnah Al-Muhammadiyah Printing House, Second Edition.
- Sheibani, Khalifa Ibn Khayyat (1977), *History of Khalifa Ibn Khayyat*, research by Dr. Akram Zia Al-Omari, Damascus: Dar al-Qalam Publishing, third edition.
- Sheikho, Lewis (1989), *The Christianity and Etiquette among the Pre-Arab Arabs*, Beirut: Dar al-Mashreq.
- Shorrab, Muhammad (1991), *Al-ma'alem al-asir'a fi al-sonat wa al-sira'a*, Beirut: Dar al-Shamiya.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1967), *History of Nations and Kings*, Beirut: Dar al-Torath.
- Taghlabi, Akhtal, *Diwan Akhtal*, Beirut: Dar al-Afaq.
- Taqqoush, Mohammad Soheil (2014), *Umayyad government*, Tr Hojjatullah Judaki, Qom: published by the seminary and university research, seventh edition.
- Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1996), Al-fehrest, Qom: publication of jurisprudence.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1994), *Rijal*, Qom: Islamic Publishing Foundation.
- Wahab Ibn Monba, *Tijan in the Kings of Hamir*, Sanaa: Center for Islamic Studies and Studies.

- Wellhausen, Julius(1968), *History of the Arab State from the Rise of Islam to the End of the Umayyad State*, Tr Muhammad Abdul Hadi Aburida and Hussein Mons, Cairo: Association for Compilation, Translation and Publishing.
- Yaqubi, Ahmad Ibn Abi Yaqub, *History of Ya'qubi*, Beirut: Dar Sadr.
- Zaghloul, Abdul Hamid Saad, *in the history of the Arabs before Islam*, Beirut: [Anonymous].
- Zahabi, Shams al-Din(1985), *The history of Islam*, research by Omar bin Abdul Salam Tadmari, Tripoli: [Anonymous]
- Zarkali, Khair Al-Din (1989), *Al-Alam*, Beirut: Dar Al-malayeen.
- Zebyani, Nabeghe (1990), Divan Nabeghe, Cairo: Dar Al-Ma'arif.
- Ziydane, Georgy (1922), *Arab before Islam*, Egypt: Al-Hilal Publishing.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.3.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.97]